

بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس

نویسندگان: احمد عابدی^۱، دکتر حمیدرضا عریضی^۲ و دکتر مهدی سبحانی نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲. استادیار دانشگاه اصفهان

۳. استادیار دانشگاه شاهد

چکیده

از جمله وظایف علم روان‌شناسی در حوزه پرورشی، بررسی، تحلیل و معرفی آن دسته از نظریه‌ها و قوانین یادگیری است که معلمان را در فرایند تدریس مدد خواهد رساند. پژوهش حاضر به بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس پرداخته است. به همین منظور ۱۷۰ نفر نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین جامعه معلمان دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهر اصفهان انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بخشی از نتایج به دست آمده حاکی است که میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان (گروه نمونه) از نظریه‌های یادگیری در سطح پایین‌تر از متوسط بوده است. به عبارت دیگر، میانگین نمره‌های معلمان از آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری کم‌تر از ۱۰ بوده، بیش‌ترین میانگین نمره‌ها مربوط به حوزه نظریه رفتارگرایی با ۸/۷۸ و کم‌ترین میانگین‌ها نیز مربوط به حوزه نظریه فراشناخت با ۶/۳۸ بوده است.

واژه‌های کلیدی: نظریه‌های یادگیری، تدریس، معلم، دوره ابتدایی

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال دوازدهم - دوره جدید

شماره ۱۵

اسفند ۱۳۸۴

مقدمه

یادگیری (learning) از معدود زمینه‌ها و محورهای موضوعی روان‌شناسی است که اندک زمانی پس از استقلال یافتن روان‌شناسی به عنوان یک نظام علمی، پای گرفت و تاکنون در گسترش دانش روان‌شناسی نقش بزرگی ایفا کرده است [۱]. یادگیری نه تنها به عنوان یک زمینه علمی به خودی خود حائز اهمیت

است، بلکه از آن‌جا که در برخی از رشته‌ها، صاحب‌نظران، آن را از جمله حوزه‌های مورد نیاز خود برای شناسایی مسائل مورد بحث می‌دانند، همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده و همه نظریه‌پردازان و پژوهشگران روان‌شناسی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، آن را از جمله موضوع‌های مهم به حساب آورده و درباره آن به پژوهش پرداخته‌اند [۲ و ۳].

آموزش و پرورش به هر شکل که انجام گیرد، بر یادگیری مبتنی است. بدین لحاظ، وقتی در آموزش مدرسه‌ای از روش‌های تدریس سخن به میان می‌آید و معلمی به دنبال آن است که بداند موضوع خاصی را چگونه باید تدریس کند، ناگزیر است به روان‌شناسی یادگیری و نظریه‌های آن مراجعه کرده، نحوه یادگیری متناسب هر یک از دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دهد. این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که روش تدریس تابع روش یا شیوه یادگیری است و از طرفی توفیق برنامه‌های نظام آموزشی نیز، وابسته به وجود معلمانی است که از صلاحیت‌ها و مهارت‌های شغلی لازم برخوردار باشند [۵۴].

پژوهشگران عرصه روان‌شناسی تربیتی، یادگیری را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و یافته‌های آنان در توجیه و تبیین پدیده یادگیری به نظریه‌های متفاوتی انجامیده است. این نظریه‌ها، هر یک می‌تواند مبین اصول، قوانین و شرایطی خاص برای کاربرد در کلاس درس باشد [۷۶]. با عنایت به تنوع نظریه‌های یادگیری، جامع‌ترین آن‌ها که با مسائل یادگیری آموزشگاهی ارتباط نزدیک‌تری دارند و می‌توانند برای معلمان دوره ابتدایی در تدریس و فعالیت‌های آموزش استفاده بیش‌تری داشته باشند، عبارتند از: رفتارگرایی (behaviorism)، شناخت‌گرایی، (cognitivism) پردازش اطلاعات (information processing)، رفتارگرایی شناختی (cognitive behaviorism) یادگیری اجتماعی (social learning) و فراشناخت (metacognition) [۱۰۹، ۸]. این نظریه‌ها از آن جهت که بیش‌ترین کاربرد را در یادگیری آموزشگاهی دارند، در این پژوهش انتخاب شده‌اند و میزان آشنایی و بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان از آن‌ها در فرایند تدریس مورد بررسی قرار گرفته است. به‌منظور جمع‌بندی مجموعه نکات اساسی مطرح در چهار نظریه فوق‌الذکر، جدول ۱ که حاوی تأکیدات، متغیرهای اساسی، نظریه‌پردازان و الهامات مأخوذ از نظریه‌ها برای معلمان است، تهیه شده است [۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱].

در خصوص تدریس نیز لازم به ذکر است که روان‌شناسان تربیتی، فعالیت‌های آموزش و تدریس معلم را به‌طور نظام‌دار در یک رشته مراحل متوالی و منطقی معرفی کرده‌اند. این فرایند به مدل عمومی آموزشی مشهور است. در این مدل، فعالیت‌های عمده معلم را در پنج مرحله پیش از آموزش، پیش از آموزش و ضمن آموزش، ضمن آموزش، ضمن آموزش و پس از آموزش و پس از آموزش طبقه‌بندی می‌کند [۴ و ۱۵]. در این ارتباط اشاره شده که چون هر یک از هدف‌های آموزشی معلم، معرف نوع خاصی از انواع یادگیری است، معلمان باید در تمام مراحل تهیه تدریس خود به یافته‌های روان‌شناسی یادگیری مراجعه کنند تا از انواع، شرایط، قوانین و نظریه‌های یادگیری اطلاع حاصل کرده، آن‌ها را در بهبود فعالیت‌های تدریس خود مورد استفاده قرار دهند [۱۷ و ۱۶].

پژوهش‌های روزنشتاین و فرست (Rosenshin & Furst) نشان داده که مهم‌ترین متغیر مؤثر در فرایند آموزش که از معلم ناشی می‌شود و بیش‌ترین همبستگی ($r=0.71$) را با یادگیری شاگردان دارد، روش تدریس معلم در کلاس، شامل سازمان‌بندی مطالب درسی، استفاده از نظریه‌های مختلف یادگیری، و کاربرد فنون گوناگون آموزشی است [۱۸].

برون (Brown, F.) آماده‌سازی و مجهز کردن معلمان به مهارت‌های حرفه‌ای را از اصلی‌ترین وظایف مراکز تربیت معلم و کارآموزی می‌داند. از نظر او، هر حرفه‌ای از جمله معلمی دارای دو بعد آگاهی و تجربه است. آگاهی‌ها را از طریق مشاهدات یا مطالعه می‌توان به‌دست آورد، ولی تا این آگاهی به مرحله تجربه و عمل در نیامده باشد، کارایی لازم را ندارد [۱۹]. همچنین مشاهدات و پژوهش‌های انجام شده نشان داده که بازده کار آن دسته از معلمانی که مهارت‌های شغلی را فراگرفته و در هنگام تدریس آن‌ها را به‌کار می‌گیرند به مراتب از سایر معلمان بیش‌تر است [۱۹].

لفرانسوا (Lefrancois, G.R) در سال ۱۹۹۷ و وولفولک (Woolfolk, A.E) در سال ۲۰۰۱ اشاره می‌کنند که معلمان در برخورد با یادگیرندگان مختلف و موضوعات

جدول ۱: معرفی وجوه بنیادی چهار نظریه اساسی مطرح در عرصه روان‌شناسی یادگیری

رویکرد	تأکید بر	متغیرهای اساسی	نظریه‌پردازان	کاربرد نظریه برای معلمان
رفتارگرایی	رفتار	محرک پاسخ تقویت تنبیه عادت اهداف رفتاری	واتسون (Watson, J.B) گاتری (Guthrie, E.R) ثورندایک (Thorndike, E.L) اسکینر (Skinner, B.F)	- عرضه شیوه‌های تقویت فراگیران و میزان اثر بخشی آن‌ها در فرایند یادگیری - تنظیم و توزیع دانش و کنترل یادگیری - آموزش گام به گام یادگیری
شناخت‌گرایی و پردازش اطلاعات	شناخت	بینش بصیرت فهمیدن ساخت‌شناسی ادراک پردازش اطلاعات حافظه	آزوبل (Ausubel, D.P) برونر (Bruner, J.S) پیازه (Piaget, J) گشتالت (Gestalt)	- شرح و بسط مراحل تحول فهم و درک در فراگیران و چگونگی در نظر آوری کارکرد آن‌ها در آموزش - نشان دادن اهمیت معنا دار بودن یادگیری و شیوه‌های ساماندهی و سازمان‌یابی ذهن فراگیرنده
یادگیری اجتماعی	رفتار و رویدادهای درونی فرد	رفتار آشکار احساس ادراک تفکر یادگیری از راه مشاهده	بندورا (Bandura, A)	- یادگیری از راه مشاهده - یادگیری از طریق مجاورت - نشان دادن نحوه یادگیری مهارت‌ها و نگرش‌ها به فراگیران
فراشناخت	فرایندهای فراشناختی	نظام شناختی خود دانش و کنترل خود	فلاول (Flavell, J.H)	- اطلاعات در مورد نظام شناختی دانش‌آموزان - اطلاعات در مورد تکلیف - اطلاعات در مورد راهبردهای مورد استفاده یادگیرندگان - کاوشگری، خود آغازگری، خودقضاوی دانش‌آموزان

باید به نظریه‌های یادگیری، تدریس، و انگیزش مراجعه واز آن‌ها در تدریس استفاده کنند [۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴].

التون (Olton, D.S.)، هیکسون و بالتیمور (Hickson, J. & Baltimore, G.H.) کاربردهای نظریه‌های یادگیری را در مدارس مورد تحلیل قرار داده و آن‌ها را مبنای تدریس موضوعات مختلف درسی می‌دانند [۲۵ و ۲۶].

بر این اساس، وظیفه پژوهشگران این است که با استفاده از روش‌های علمی، مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز معلمان سطوح مختلف را مورد بررسی قرار داده،

متفاوت باید بپذیرند هر یک از فراگیران ممکن است به سبک خاصی از یادگیری به انجام تکالیف درسی و یادگیری موضوعات مختلف پردازند. بنابراین معلمان باید از نظریه‌های گوناگون یادگیری و تدریس آگاهی داشته باشند [۱۵ و ۲۰]. همچنین روان‌شناسان تربیتی همچون هیلگارد و باور (Hilgard, E.K & Bower, G.H.)، اسلاوین (Slavin, R.E.)، ارمود (Ormrod, J.E.) و آرنلدز (Arends, R.I.) ضروری می‌دانند که در مدل عمومی آموزش در مرحله فعالیت‌های ضمن آموزش، معلمان

شرکت در دوره‌های آموزش ضمن خدمت تفاوت معنادار وجود دارد؟

روش

با توجه به اهداف و سؤال‌های اساسی پژوهش که در راستای بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با نظریه‌های یادگیری و کاربرد آن‌ها در فرایند تدریس بوده است، پژوهش حاضر پیرو طرحی توصیفی بوده است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه

آماري پژوهش، کلیه معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان طی سال تحصیلی ۸۳-۸۲ بوده که از بین آنان تعداد ۱۷۰ نفر (با عنایت به سهم متغیرهای جنس و نواحی آموزش و پرورش شهر اصفهان با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم) به شیوه تصادفی ساده انتخاب و ابزارهای پژوهش در مورد آنان اجرا گردیده است.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها: در این پژوهش برای

گردآوری داده‌ها از دو ابزار به شرح زیر استفاده شده است:

۱. آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری: آزمون

مذکور حاوی ۷۰ سؤال چهار گزینه‌ای محقق ساخته بوده که توسط معلمان دوره ابتدایی تکمیل و پاسخ داده شده است. این ابزار، میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی را با نظریه‌های یادگیری مورد سنجش قرار داده است. در ساخت این ابزار، پس از مطالعه نظریه‌های یادگیری و طبقه‌بندی آن‌ها (جدول ۱)، ۲۰۰ سؤال چهار گزینه‌ای در قالب نظریه‌های یادگیری استخراج شده و برای مدرسین مراکز تربیت معلم و اساتید دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های کشور که درس روان‌شناسی یادگیری یا زمینه‌های وابسته به آن را تدریس کرده‌اند، ارسال گردیده است. سپس با استفاده از نظرهای آنان و میزان توافق ابراز شده با سؤال‌های استخراجی فوق،

در خصوص حدود مهارت‌ها و صلاحیت‌های مذکور اظهار نظر کنند تا با بهره‌گیری از این دسته از مطالب علمی برنامه‌های آموزش ضمن خدمت مهارت‌های مورد نیاز طراحی و برای معلمان ارائه شود.

با عنایت به مطالب فوق در این پژوهش به بررسی یکی از مقدمات اساسی وظیفه معلمی، یعنی آگاهی از نظریه‌های یادگیری پرداخته و سعی می‌شود میزان اطلاع و بهره‌گیری معلمان از زمینه‌های مذکور در فرایند تدریس مورد بررسی قرار گیرد تا از یافته‌های آن در برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت معلمان استفاده شود [۲۷].

بنابراین، مسأله اساسی پژوهش، بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری و به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بوده است. به عبارت دیگر، هدف پژوهش آن بوده که مشخص سازد معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان تا چه حد با نظریه‌های یادگیری آشنا هستند، و دیگر این‌که تا چه میزان در تدریس خود از نظریه‌های یادگیری مذکور استفاده می‌کنند. همچنین تفاوت معنادار بین این آگاهی و بهره‌گیری بر حسب متغیرهایی نظیر جنس، مدرک تحصیلی، سابقه خدمت و شرکت در دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارآموزی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این ارتباط و به منظور دستیابی به اهداف فوق، طی انجام پژوهش، سؤال‌های ذیل تدوین و مورد بررسی واقع شده است:

۱. آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری (رفتارگرایی، شناختی و پردازش اطلاعات، اجتماعی و فراشناخت) به چه میزان است؟
۲. معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان تا چه حد از نظریه‌های یادگیری در تدریس استفاده می‌کنند؟
۳. آیا بین میزان معلومات و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بر حسب متغیرهایی، چون جنس، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، سابقه تدریس و

نتایج

یافته‌های پژوهش به ترتیب سؤال‌ها به شرح زیر است:

سؤال اول: آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری به چه میزان است؟

با بهره‌گیری از ابزار آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری مشخص گردید که میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان در ارتباط با نظریه‌های یادگیری در سطح پایین‌تر از متوسط بوده، به طوری که میانگین نمره‌های معلمان این دوره طی آزمون مذکور ۷/۶۱ (در مقیاس بیست نمره‌ای) و کم‌تر از ۱۰ بوده است. بیش‌ترین میانگین نمره‌ها مربوط به نظریه رفتارگرایی با ۸/۷۸ و کم‌ترین میانگین نیز مربوط به نظریه فراشناخت با ۶/۳۸ بوده است (جدول ۲).

جدول ۲: شاخص‌های آماری آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری معلمان دوره ابتدایی

انحراف معیار	میانگین	میانگین	شاخص‌های آماری نظریه‌های یادگیری
۴/۲۹	۸	۸/۷۸	نظریه رفتارگرایی
۴/۲۸	۷/۵	۸/۰۱	نظریه شناختی و پردازش اطلاعات
۴/۳۱	۷	۷/۴۱	نظریه یادگیری اجتماعی
۳/۸۲	۶	۶/۳۸	نظریه فراشناخت
۴/۰۳	۷/۵	۷/۶۱	کل

سؤال دوم: معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان تا چه حد از نظریه‌های یادگیری در تدریس استفاده می‌کنند؟

براساس یافته‌های حاصل از ابزار چک‌لیست مشاهده عملکرد معلمان در بهره‌گیری از الهامات مأخوذ از نظریه‌های یادگیری در تدریس، میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان به‌طور میانگین در سطح همیشه و اکثر اوقات ۴۲/۹ درصد، در سطح بعضی اوقات و کم ۴۸/۲ درصد، و در سطح هیچ وقت ۸/۴ درصد گزارش شده است (به‌وسیله مشاهده گران). در این ارتباط، بیش‌ترین کاربرد نظریه‌های یادگیری در تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی مربوط به نظریه رفتارگرایی با ۵۲/۹ درصد و کم‌ترین آن‌ها نیز مربوط به نظریه فراشناخت با ۲۳/۵ درصد بوده است (جدول ۳).

نهایتاً ۷۰ سؤال چهار گزینه‌ای براساس چهار نظریه یادگیری انتخاب و براساس روایی محتوایی تأیید شده آنان در پرسشنامه قرار داده شده است. همچنین بر طبق آلفای کرونباخ، اعتبار آزمون برابر با ۰/۷۶ بوده است.

۲. فرم چک‌لیست مشاهده عملکرد معلمان در بهره‌گیری از الهامات مأخوذ از نظریه‌های یادگیری در تدریس: با بهره‌گیری از فرم چک‌لیست مشاهده، میزان بهره‌گیری معلمان از نظریه‌های یادگیری مذکور در فرایند تدریس مورد مشاهده و بررسی قرار گرفت. فرم چک‌لیست مشاهده توسط مشاهده‌گران در هنگام تدریس معلمان در کلاس درس تکمیل شده است. فرم حاوی ۱۰۰ مؤلفه بوده که براساس نظریه‌های یادگیری تهیه و تدوین شده بود و مشاهده‌گران آن را به‌طور متناوب در هفت جلسه کلاس درس اجرا کرده، فرایند تدریس معلم را طی آن جلسات مشاهده و براساس آن چک‌لیست مشاهده را تکمیل می‌کردند [۲۸]. روایی فرم توسط صاحب‌نظران (تأییدکننده آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری) به لحاظ صوری و محتوایی تأیید شده است. به علاوه، اعتبار آن نیز با استفاده از ضریب توافق اجرای مکرر آن طی چندین جلسه مشاهده متوالی توسط مشاهده‌گران، برابر با ۰/۸۱ بوده است.

روش‌های تحلیل داده‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در تحلیل توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری، نظیر فراوانی، درصد فراوانی و میانگین به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و همچنین به‌منظور هم‌تراز کردن نمره‌های آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری نیز از تبدیل خطی نمره‌ها بهره گرفته شده است. در تحلیل استنباطی داده‌ها، متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری از انواع آزمون‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه (F)، آزمون یومان ویتنی و همچنین آزمون کروسکال - والیس استفاده شده است.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی مربوط به میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان

هیچ وقت	کم	بعضی اوقات	اکثر اوقات	همیشه	فراوانی/درصد	مقیاس درجه بندی نظریه‌های یادگیری
۶ ۳/۵	۳ ۱۷/۶	۴۴ ۲۵/۹	۵۴ ۳۴/۷	۳۱ ۱۸/۲	فراوانی درصد	نظریه رفتارگسسرائی
۱۷ ۱۰	۲۸ ۱۶/۵	۴ ۲۷۶/۱	۶۲ ۳۶/۵	۱۷ ۱۰	فراوانی درصد	نظریه شناختی و پردازش اطلاعات
۱۷ ۴/۱	۲۸ ۱۶/۵	۴ ۳۱۶/۲	۶۲ ۳۵/۳	۱۷ ۱۲/۹	فراوانی درصد	نظریه یادگیری اجتماعی
۲۹ ۱۷/۱	۵۴ ۳۱/۸	۴ ۲۷۷/۶	۳۱ ۱۸/۲	۹ ۵/۳	فراوانی درصد	نظریه فراشناخت

جدول ۴: مقایسه میانگین میزان معلومات و آگاهی معلمان زن و مرد دوره ابتدایی از نظریه‌های یادگیری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنادار
زن	۱۰۷	۸/۷	۳/۸	۵/۳۴	۰/۰۰۱
مرد	۶۳	۵/۶	۳/۵		

۲. بین معلومات و آشنایی معلمان رشته‌های مرتبط (حوزه علوم تربیتی) و رشته‌های غیرمرتبط با تدریس در دوره ابتدایی با نظریه‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود داشته است. به طوری که میانگین نمره‌های آن‌ها در تمام نظریه‌های یادگیری اختلاف داشته است (جدول ۵).

۳. بین میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره ابتدایی از نظریه‌های یادگیری بر حسب مدرک تحصیلی آنان تفاوت معناداری وجود داشته، به طوری که با افزایش سطح مدرک تحصیلی میانگین نمره‌های آنان نیز در آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری افزایش پیدا کرده است. میانگین کل نمره‌های معلمان دیپلم ۵/۱۵، میانگین کل نمره‌های معلمان فوق دیپلم ۱۰/۱۳ و میانگین کل نمره‌های معلمان لیسانس ۱۲/۹۵ بوده است (جدول ۶).

۴. بین معلومات و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری بر حسب مدت شرکت آن‌ها در دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارآموزی نیز تفاوت معناداری وجود داشته، به طوری که با افزایش شرکت معلمان در این دوره‌ها، میانگین نمره‌های آنان در آزمون سنجش

سؤال سوم: آیا بین میزان معلومات و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری و به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بر حسب متغیرهایی چون جنس، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، سابقه تدریس و شرکت در دوره‌های آموزش ضمن خدمت تفاوت معنادار وجود دارد؟

چنان که ملاحظه می‌شود این سؤال مبتنی بر دو دسته تحلیل‌های استنباطی در باب بررسی تأثیر دو دسته متغیرهای تعدیل‌کننده در خصوص میزان معلومات و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری و همچنین به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بوده است. بر این اساس تحلیل‌های مذکور به طور مجزا دسته‌بندی شده است.

الف) تفاوت معنادار بین میزان معلومات و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری

۱. بین میزان معلومات و آگاهی معلمان زن و مرد دوره ابتدایی از نظریه‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که میانگین نمره‌های آن‌ها در تمام نظریه‌های یادگیری با یکدیگر اختلاف معنادار داشته است (جدول ۴).

جدول ۵: مقایسه میانگین میزان معلومات و آگاهی معلمان رشته‌های مرتبط (حوزه علوم تربیتی) و رشته‌های غیرمرتبط با تدریس دوره ابتدایی از نظریه‌های یادگیری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
مرتبط	۱۰۷	۹/۲	۴	۷/۳۱	۰/۰۰۱
غیرمرتبط	۶۳	۵/۱	۲/۵		

جدول ۶: تحلیل واریانس یک راهه در مورد میانگین تفاوت بین میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره ابتدایی از نظریه‌های یادگیری بر حسب مدرک تحصیلی آنان

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۴۵۱/۱	۳	۱۵۰/۳۶	۲۰/۵۹	۰/۰۰۱
درون گروهی	۱۲۲۹/۵	۱۶۷	۷/۳		
کل	۲۷۴۵/۶	۱۶۹			

جدول ۷: تحلیل واریانس یک راهه بین معلومات و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری بر حسب مدت شرکت آن‌ها در دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارآموزی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۴۶۶/۷	۲	۲۳۳/۳۵	۲۲/۹	۰/۰۰۱
درون گروهی	۱۶۹۸/۹	۱۶۷	۱۰/۱۷		
کل	۲۷۴۵/۶	۱۶۹			

جدول ۸: مقایسه میانگین رتبه بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان زن و مرد دوره ابتدایی

متغیر	تعداد	میانگین رتبه	z	سطح معناداری
زن	۱۰۷	۸۸/۴۶	۱۰/۵	۰/۷۴۵
مرد	۶۳	۸۰/۴۷		

ب) تفاوت معنادار بین میزان به‌کارگیری نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس

۱. بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان زن و مرد دوره ابتدایی تفاوت معناداری وجود نداشته است. در واقع، اختلاف میانگین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان زن و مرد براساس آزمون یومان ویتنی معنادار نبود است (جدول ۸).

۲. بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی رشته‌های مرتبط و غیرمرتبط، تفاوت معناداری وجود نداشته است. در

نظریه‌های یادگیری نیز افزایش پیدا کرده است. در این آزمون، میانگین کل نمره معلمانی که دوره‌های آموزش‌های ضمن خدمت و کارآموزی را کم‌تر از پانزده ساعت گذرانده‌اند ۵/۲۵، معلمانی که دوره‌های آموزش‌های ضمن خدمت و کارآموزی را بین شانزده تا سی ساعت گذرانده‌اند ۸/۹۹ و میانگین کل نمره‌های معلمانی که دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارآموزی را بیش‌تر از سی ساعت گذرانده‌اند، ۱۱/۷۸ بوده است. نتایج ارائه شده در جدول ۷ بیانگر تأثیر مدت شرکت معلمان در دوره‌های آموزش ضمن خدمت بر آگاهی آن‌ها از نظریه‌های یادگیری است.

جدول ۹: مقایسه میانگین رتبه بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی رشته‌های مرتبط و غیرمرتبط

متغیر	تعداد	میانگین رتبه	Z	سطح معناداری
مرتبط	۱۰۳	۹۹/۷۶	۴/۸۳	۰/۵۳۶
غیرمرتبط	۶۳	۶۳/۵۸		

جدول ۱۰: مقایسه میانگین رتبه بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی بر حسب سابقه تدریس

متغیر (سابقه تدریس)	تعداد	میانگین رتبه	نتیجه آزمون	سطح معناداری
۰-۵	۲۴	۹۱/۹۸	۲۱/۷۲	۰/۰۰۱
۶-۱۰	۲۹	۸۴/۱		
۱۱-۱۵	۳۲	۸۳/۲۲		
۱۶-۲۰	۳۵	۷۵/۹۳		
۲۱-۲۵	۲۹	۹۰/۶۲		
۲۶-۳۰	۲۱	۹۲/۳۸		

جدول ۱۱: مقایسه میانگین رتبه بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان بر حسب مدرک تحصیلی

متغیر (مدرک تحصیلی)	تعداد	میانگین رتبه	نتیجه آزمون	سطح معناداری
دیپلم	۹۸	۶۲/۹	۱۹/۲۴	۰/۰۰۱
فوق دیپلم	۵۱	۱۰۸/۳		
لیسانس	۲۱	۱۳۵/۲		

تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش مدرک تحصیلی معلمان دوره ابتدایی، میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری نیز افزایش یافته است. در واقع، در کل چک لیست مشاهده عملکرد، میانگین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری براساس آزمون کروسکال والیس برای معلمان دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس بیانگر معنادار بدون تفاوت‌ها است (جدول ۱۱).

۵. بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان بر حسب گذراندن دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارآموزی تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش میزان ساعات گذراندن این دوره‌ها، میانگین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری نیز افزایش یافته است. بدین ترتیب در کل

واقع، اختلاف میانگین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان رشته‌های مرتبط و غیرمرتبط براساس آزمون یومان ویتنی اندک معنادار نبوده است (جدول ۹).

۳. بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی بر حسب سابقه تدریس آنان تفاوت معناداری وجود داشته است، به طوری که براساس آزمون کروسکال-والیس معلمان با سابقه تدریس تا پنج سال و بیست و یک تا بیست و پنج سال نسبت به بقیه معلمان بیش تر از نظریه‌های یادگیری در تدریس استفاده می‌کرده‌اند (جدول ۱۰).

۴. بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان بر حسب مدرک تحصیلی آنان

جدول ۱۲: مقایسه میانگین رتبه بین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان بر حسب گذراندن دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارآموزی

متغیر (آموزش ضمن خدمت)	تعداد	میانگین رتبه	نتیجه آزمون	سطح معناداری
کم‌تر از ۱۵ ساعت	۵۰	۶۷/۲	۳۳/۲۴	۰/۰۰۱
۱۶ تا ۳۰ ساعت	۳۶	۹۶/۷		
بیش‌تر از ۳۰ ساعت	۱۷	۱۱۶/۴		

هستند تا متناسب با فراگیران و موضوعات درسی متفاوت، تدریس اثربخش‌تری داشته باشند. ۲. اگرچه میزان معلومات معلمان دوره ابتدایی گروه نمونه از نظریه‌های یادگیری در سطح پایین‌تر از متوسط است، ولی آن‌ها در سطح وسیعی از نظریه‌های یادگیری در کلاس درس و فرایند تدریس استفاده می‌کنند. این امر با نتایج تحقیق مرعشی [۱۹] که طی آن اشاره شده بود معلمان گروه نمونه تهران از مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای مناسب برخوردارند، هماهنگ است. در واقع معلمان در حد متوسط از نظریه‌ها بهره می‌گیرند، بدون این‌که از نام، مشخصات و طبقه‌بندی‌های نظری آن مطلع باشند.

۳. بیش‌ترین کاربرد نظریه‌های یادگیری در کلاس درس و فرایند تدریس در حوزه نظریه رفتارگرایی و کم‌ترین آن‌ها در حوزه نظریه فراشناخت بوده است. از دلایل این امر می‌توان به خصوصیات و ویژگی‌های جسمانی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان، محتوای کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس مذکور در کتاب‌های راهنمای معلم این دوره اشاره کرد. در واقع، نظریه فراشناخت کم‌ترین کاربرد را در این دوره داشته که از دلایل آن می‌توان به متمرکز بودن نظام آموزشی کشور و جدید بودن این نظریه در بین معلمان اشاره کرد. این موضوع در ارتباط با سؤال دوم پژوهش نیز قابل تأمل است که وزارت آموزش و پرورش به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا

چک‌لیست مشاهده عملکرد، مقایسه میانگین میزان کاربرد نظریه‌های یادگیری در تدریس براساس آزمون کروسکال - والیس برای معلمانی که کم‌تر از پانزده ساعت دوره آموزش ضمن خدمت یا کارآموزی گذرانده‌اند، برای معلمانی که بین ۱۶ تا ۳۰ ساعت دوره آموزش ضمن خدمت یا کارآموزی گذرانده‌اند و برای معلمانی که بیش‌تر از ۳۰ ساعت این دوره‌ها را گذرانده‌اند معنادار بوده است (جدول ۱۲).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد:

۱. میزان معلومات معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان از نظریه‌های یادگیری در سطح پایین‌تر از متوسط است، به‌طوری‌که میانگین نمره‌های معلمان این دوره در ارتباط با نظریه‌های یادگیری در آزمون سنجش نظریه‌های یادگیری کم‌تر از ۱۰ است. نتایج حاضر با تحقیق آرین دوست در ۱۳۷۵ [۱۹] که طی آن نیز میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره ابتدایی از مفاهیم و روش‌های تدریس دروس مختلف این دوره در سطح پایین‌تر از متوسط ارزیابی شده بود و میانگین نیز کم‌تر از ده بود، هماهنگی دارد. لذا از نتایج حاصل از سؤال اول پژوهش چنین استنباط می‌گردد که شناخت معلمان گروه نمونه از نظریه‌های یادگیری در سطح پایین ارزیابی می‌گردد. و این نکته بسیار اساسی است که معلمان در مدل عمومی آموزش در مرحله ضمن آموزش، نیازمند مراجعه به نظریه‌های یادگیری

و آموزش‌های ضمن خدمت را در زمینه نظریه‌های یادگیری گذرانده‌اند به شکل قابل توجهی از معلمان مرد، معلمان رشته‌های غیرمرتبط و آن‌هایی که دوره‌های ضمن خدمت را ندیده‌اند، بیش‌تر بوده است.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱. به کارگیری نظریه‌های یادگیری در تدریس، بخش جدایی‌ناپذیری از کار معلمان در کلاس درس است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در خصوص آموزش و آشناسازی معلمان با روان‌شناسی یادگیری و نظریه‌های آن اقدامات اساسی انجام گیرد.
۲. با توجه به نقش زیر بنایی نظریه‌های یادگیری در تدریس آموزشگاهی، پیشنهاد می‌شود در برنامه درسی مراکز تربیت معلم، واحدی درسی تحت عنوان روان‌شناسی یادگیری در حد دو تا چهار واحد درسی طراحی و گنجانیده شود.
۳. کتابی در ارتباط با نظریه‌های یادگیری با تأکید بر جنبه‌های کاربردی برای استفاده معلمان تازه کار تدوین گردد.
۴. آموزش و پرورش ضمن تبیین مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی، برنامه‌های جامعی برای آموزش این مهارت‌ها به‌طور مستمر تهیه کند و با استفاده از نظر متخصصان روان‌شناسی دوره‌های کارآموزی و آموزش‌های پیش از خدمت و حین خدمت را به‌مورد اجرا بگذارد.
۵. معلمان دوره ابتدایی در مرحله اشتغال باید مرتباً از طریق شرکت در دوره‌های تکمیلی و آموزش‌های ضمن خدمت در مسیر تحولات جدید در ارتباط با نظریه‌های یادگیری قرار بگیرند تا تدریس در کلاس‌های دوره ابتدایی بر مبنای جدیدترین نظریه‌های یادگیری صورت گیرد.
۶. برنامه‌ریزان آموزش نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش، دوره‌های ضمن خدمت حضوری و

معلمان را متناسب با دانش روز آموزش دهد و آن‌ها را با نظریه‌های جدید در زمینه‌های یادگیری و آموزش آشنا سازد تا آنان با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از نظریه‌های جدید در فرایند یاددهی و یادگیری استفاده کنند.

۴. گذراندن دوره‌های آموزش ضمن خدمت، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی (علوم تربیتی و رشته‌های مرتبط با آموزش ابتدایی) در میزان آشنایی و معلومات معلمان از نظریه‌های یادگیری مؤثر بوده است، ولی در کاربرد نظریه‌های یادگیری اثربخشی کم‌تری داشته است به عبارت دیگر، میزان آگاهی و شناخت معلمان از نظریه‌های یادگیری طی آموزش‌های مذکور افزایش یافته، ولی آموزش‌ها در افزایش مهارت‌های کاربردی آن‌ها کم‌تر مؤثر بوده است. به این مسأله در تحقیق مرعشی [۱۹] نیز اشاره شده بود که دیدن دوره‌های تربیت معلم، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی در میزان مهارت‌های شغلی معلمان اثر بخش نبوده است.
۵. در خصوص کاربرد نظریه‌های یادگیری در کلاس درس و فرایند تدریس، متغیرهایی مانند جنس، سطح تحصیلات، سابقه تدریس و گذراندن دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان بیش‌ترین ارتباط را با کاربرد نظریه‌های یادگیری در تدریس داشته است. در این ارتباط طی تحقیق مرعشی [۱۹] نیز به این موضوع اشاره شده که بین کاربرد مهارت‌های شغلی و متغیرهایی مانند جنس، سطح تحصیلات، سابقه خدمت، نوع استخدام و گذراندن دوره‌های تربیت معلم و کارآموزی معلمان، بیش‌ترین همبستگی با گذراندن دوره‌های کارآموزی مربوط بوده است.
۶. میزان آشنایی و کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان زن، معلمان دارای مدرک تحصیلی لیسانس، معلمان تحصیلکرده در رشته‌های مرتبط و آن‌هایی که دوره‌های کارآموزی

۶. هرگنهان، بی. آروالسون، میتواج (۲۰۰۱) مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. مترجم: علی اکبر سیف، تهران: انتشارات آگاه.

۷. قورچیان، نادرقلی و دیگران (۱۳۷۷) نظریه‌های یادگیری و نظریه فراشناخت در فرایند یاددهی - یادگیری. تهران: انتشارات تربیت.

8. Skinner B.F. (1968) The technology of teaching. NewYork: Alfred A. Knopt.

9. Bandura A. (1965) Influence of a models reinforcement contingencies on the aquisition of imitative responses. Journal of personality and social psychology, 11, 589-595.

10. Flavel, J.H. (1979). Metacognition and cognitive monitoring: A new area of cognitive developmental inquiry. American psychologist, 34, 906-911.

۱۱. قشونی، اقدس و زارع، حسین (۱۳۷۹) فراشناخت، گاهی به سوی آموزش و یادگیری بهتر، پیوند، شماره ۴۴.

۱۲. عالمی، محمد حسین (۱۳۷۷) نظریه‌های یادگیری و مواد آموزشی چند رسانه‌ای، تکنولوژی آموزشی، شماره ۴.

۱۳. فتحی آذر، اسکندر (۱۳۷۲) تدریس و یادگیری از دیدگاه شناخت‌گرایی. فصلنامه تعلیم و تربیت، بهار.

۱۴. کدیور، پروین (۱۳۷۴) فرایندهای فراشناختی و کاربردهای آن در آموزش و یادگیری. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت ۷.

15. Woolfolk, A.E. (2001) Educational psychology (8 rd ed). Englewood cliffs, N.J: Prentice-Hall.

16. Dembo, M.H. (1994) Applying educational psychology (5 th ed). New York: Longman.

۱۷. گیج ان. ال. (۱۹۹۸) مبانی علمی هنر تدریس. مترجم محمود مهرمحمدی، تهران، انتشارات مدرسه.

۱۸. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۲) کاربرد روان‌شناسی جدید (علمی) در آموزش و پرورش جدید. فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره اول، شماره ۳.

۱۹. مرعشی، علی‌اکبر (۱۳۷۴) بررسی مهارت‌های شغلی معلمان دوره ابتدایی. فصلنامه تعلیم و تربیت، بهار و تابستان.

20. Lefrancois G.R. (1997) psychology for teaching. wadworth, international Edition.

21. Hilgard E.K. & Bower G.H. (1975) Theories of learning (4 th ed). Englewood cliffs, N.J: Prontice Hall.

غیرحضور را در ارتباط با نظریه‌های جدید یادگیری طراحی و اجرا کنند.

۷. آموزش و پرورش باید برنامه‌های تصویری یا فیلم‌های آموزشی‌ای را تهیه کند که در آنها کاربرد اصول یادگیری در تدریس به صورت کاربردی و نمایشی برنامه‌ریزی شده باشد.

۸. گروه‌های آموزشی دوره ابتدایی به طور مستمر گردهمایی‌هایی راجع به نظریه‌های یادگیری و کاربرد آنها در فرایند تدریس برای معلمان دوره ابتدایی برگزار و کاربرد این نظریه‌ها را برای معلمان تبیین و تشریح کنند.

۹. برگزاری سخنرانی‌های علمی توسط متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسی در خصوص نظریه‌های یادگیری و کاربرد آنها در فرایند یاددهی - یادگیری برای معلمان دوره ابتدایی می‌تواند کمک‌دهنده باشد.

۱۰. تهیه جزوه‌های آموزشی در زمینه نظریه‌های یادگیری و کاربرد آنها در فرایند یاددهی یادگیری و در اختیار قرار دادن آنها بین معلمان دوره ابتدایی می‌تواند کمک‌دهنده باشد.

منابع

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰) روان‌شناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه.

۲. پارسا، محمد (۱۳۷۶) روان‌شناسی تربیتی، تهران: انتشارات مهارت.

۳. پارسا، محمد (۱۳۷۰) روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها. تهران: چاپ رودکی.

۴. گیج، لنیت. برلایتر، دیویدسی (۱۳۷۴) روان‌شناسی تربیتی، ترجمه غلامرضا خوی نژاد و دیگران. مشهد: انتشارات حکیم فردوسی.

5. Driscoll M.P. (1994) Psychology of learning for instructio Boston: Allyn & Bacon.

۲۷. آرین دوست، ابوالفضل (۱۳۷۶) بررسی میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره ابتدایی استان مرکزی در سال تحصیلی ۷۵-۷۶، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.

۲۸. دلاور، علی (۱۳۷۴) مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.

22. Slavin R.E. (1990) Cooperative learning: Theory, research, and practice. Englewood cliffs, N.J: Prentice-Hall.
23. Ormrod J.E. (1995) Educational psychology: principles and applications. Englewood cliffs, N.J: Merrill.
24. Arends R.I. (2000) LEARNING TO TEACH. New York: McGraw-hill. 24.
25. Olton D.S. (1992) Tolman, s cognitive analysis: predecessors of experimental psychology, general, N121, pp.427-428.
26. Hickson J & Baltimore M. (1995) gender-related learning style pattern of middle school pupils. school psychology international, N20, pp.56-60.